



کارگردان نمایش «بهشت در آتش»:

یک نمایش می‌تواند بسیار تأثیرگذارتر از سخنرانی باشد

۵۵باز یگر دارد که هیچ کدام بازیگر حرفه‌ای نیستند، ادامه می‌دهد: «این گروه نمایش یک گروه مردمی از شهرستان فاطمه زهرا(س) نمایش آیینی «بهشت در آتش» به‌نویسندگی **حجت‌الاسلام «سیدکاظم فلاح‌زاده»** و کارگردانی **«علی جاور»** از ششم آذرماه به مدت پنج شب در سالن شهید آوینی فرهنگسرای بهمن تهران روی صحنه رفته است. این اثر نمایشی با محوریت تاریخ صدر اسلام، روایتی است تاریخی درباره شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و مظلومیت ولایت بر لزوم بصیرت‌افزایی، آگاهی، دشمن‌شناسی، ولایتمداری و هوشیاری امت اسلام در برابر فتنه‌ها و توطئه‌های دشمنان و فتنه‌گران. نمایش فوق با نقش‌آفرینی هنرمندان و عوامل بومی شهرستان ابر کوه تولید شده‌است، به بهانه‌اجرای این نمایش با علی جاور گفت‌وگو کردیم.

■ **فاطمه شعبانی**

همزمان با ایام فاطمیه و سوگواری شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) نمایش آیینی «بهشت در آتش» به‌نویسندگی **حجت‌الاسلام «سیدکاظم فلاح‌زاده»** است. به گفته جاور از اینکه یک روحانی این نمایش را نوشته‌است خوشحالم، حاج آقا فلاح‌زاده ادبیات نمایشی خوانده و حدود ۱۰سال است در شهرستان ابر کوه فعالیت می‌کند. پایان‌نامه ایشان درباره تاریخ اسلام بوده‌است و روی موضوع کاملاً اشراف دارد و به همین سبب تقریباً تمام اتفاقات نمایش به صورت کاملاً دقیق و حساب‌شده انتخاب شده‌اند. این را به فال نیک می‌گیرم که روحانیون در عرصه هنر ورود کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که یک نمایش می‌تواند بسیار تأثیرگذارتر از سخنرانی باشد.»

■ **اتفاق خوب**

کارگردان نمایش بهشت در آتش اضافه می‌کند: «سه سال است اتفاق‌های خیلی خوبی برای من می‌افتد. شروع همکاری‌ام با این گروه اینطور بود که مادرم مبتلا به کرونا شده بود، از خدا خواستم اگر مادرم بهتر شود، کاری برای حضرت زهرا(س) انجام دهم. از قضا بعد از بهبودی مادر این توفیق حاصل و در حقیقت افتخاری نصیب من شد که سه سال است در دهه فاطمیه با موضوع حضرت زهرا(س) این کار را انجام می‌دهم. امسال که تهران اجرا داریم، دو گروه دیگر از یزد با ما تماس گرفتند که اگر می‌شود امسال کارتان را برای ما اجرا کنید. اینها بر کاتی است که نشان می‌دهد حضرت زهرا(س) خدش‌شان بر این مجلس نظر می‌کنند. غالباً به کارهای نمایشی نقد زیاد می‌شود اما در این دو سال که اجرا رفتیم، خیلی کم نقد دیدم اما بیشتر مورد تحسین قرار گرفته‌است و به طور کل بازخوردهای خوبی از مردم گرفتیم.»

■ **الگوگویی**

علی جاور به استقبال پرشور و گسترده مردم استان یزد از این نمایش اشاره کرد و اظهار داشت: «این اتفاق خیلی خوبی است که یک گروه شهرستانی کار مذهبی انجام می‌دهند و مورد استقبال عموم قرار می‌گیرد. سالی گذشته این نمایش به مدت شش شب در دو سالن اجرا شد که در مجموع ۱۲ اجرا ۱۵هزار نفر از علاقه‌مندان به تماشای این اثر مذهبی و هنری نشستند. جالب بود که هر شب که از اجرا می‌گذشت، به تعداد تماشاچی‌ها اضافه می‌شد و هر شب صندلی اضافه می‌کردیم اما باز

کارگردان

■ **سیدعلی مددزیدی**

جایی تر رسیده به بهمن ۷، دبیرستان سعدی اصفهان به جنب و جوشی از جنس اضطراب افتاده. سیاه‌پوشان سازمان اطلاعات و امنیت کشور مدرسه را فرق کرده‌اند و در حال زیرورو کردنش هستند و برای‌شان میان مدیرریش سفیدو نوجوانی‌که هنوز پشت لب‌شان به سفیدی می‌زند، فرقی نیست. آنها فقط دنبال یک نفر می‌گردند. تابلوی مزین به تمثال اعلیحضرت شاهنشاه از یامهرا در دبیرستان سعدی به زمین افتاده و به نقش پای نوجوانان پیردل مزین گشته و حالا سازمان امنیت کل کشور خودش را مجل یک مدرسه کرده تا ببیند این آتش از زیر سر کدام یک از اعضای مدرسه بلند شده. شخم‌زدن

مدرسه نتیجه‌ای در بر ندارد.

مدیر مدرسه را اکتبسته روانه گونی، به بازداشتگاه منتقل می‌کنند ولی باز هم پوچ است. روز بعد مدیر به مدرسه برگشته و زیر نگاه سنگین مأموران در حال بازخواست از دانش آموزان است تا متهم اصلی را پیدا کند. باز هم تلاش‌های‌شان به جایی نمی‌رسد، اما این بار اسم یکی از دانش‌آموزان بین بچه‌ها مزمه می‌شود. صاحب اسم را که گویا با جزئیات چپ‌هم خشنرونتسری دارد به صرف چند ماه آب‌خنگ به زندان می‌برند و با خیال خوش پرونده شکسته‌شدن تابلوی اعلیحضرت در دبیرستان سعدی را مخومه اعلام می‌کنند. احتمالاً هیچ‌گاه مسئولان اداره کل امنیت اصفهان نفهمیدند که در ماجرای دبیرستان سعدی کلاه‌گشادی بر سرشان رفته است. کلاهی که با نخ و سوزن محمدمهدی نیلفروش‌زاده دوخته‌شده بود که علی‌الحساب شرح و بسطش می‌ماند با شما و همت‌تان در تویق «میم اول».

شهید محمدمهدی نیلفروش‌زاده سال ۱۳۳۵ در اصفهان متولد شد. خانواده پدری و مادری‌اش از لحاظ تمکن و ثروت کم و کسری نداشتند و جزو ثروتمندان شهر به حساب می‌آمدند. پدر بزرگش، حاج‌محب‌علی نیلفروش‌زاده از سرمایه‌داران شهیر شهر بود که البته همه او را نه از سر ثروت زیاد بلکه به دلیل عشقش که به امیرالمؤمنین(ع) داشت، می‌شناختند و به این جهت محمدمهدی در دوران ابتدایی زندگی دو مفهوم را با پوست و گوشتش لمس کرد: تمایز زندگی پرنگ و لعاب‌شان با

از دبیرستان سعدی تادارخوین

باقی مردم و عشق به امیرالمؤمنین(ع). در جوانی به دانشگاه دبیری اصفهان رفت و همان مسی انقلابی‌اش را ادامه داد تا اینکه انقلاب به پیروزی رسید. بعد از انقلاب، کشور به آتش جنگ مبتلا شد و همان روحیه مبارزاتی دوران دبیرستان سعدی، او را به جنوب کشاند و در نهایت سال ۱۳۵۹ در جبهه دارخوین به شهادت رسید. حال حوزه هنری اصفهان به همراهی نشر اسپانه بر آن شده‌اند از این گزارش مختصر یک زندگی‌نامه پروپیمان تهیه ببینند. اثر به قلم مهدی ابتقاو در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول به کلام مادر، دوم عموم، سوم برادر و چهارم همسر روایت شده. از آنجا که هر چهار راوی از نزدیکان سوزه هستند، چهار فصل، ماجراهای مشترک کم ندارد. برای مثال همین پرونده دبیرستان سعدی که در ابتدای این مقال

اشاره‌ای به آن شده، هم از زاویه دید مادر مفصلاً روایت می‌شود و هم از نگاه عموم، البته مقصود این نیست که کتاب به تکرار مکررات مبتلا شده است، این قطعات مشترک عموماً در جزئیات یکدیگر را تکمیل می‌کنند. نوع ادبیات کتاب این انگاره را برای خواننده به وجود می‌آورد که نویسنده بنای دست‌بردن در سروشکل مصاحبه‌ها یا خارج کردن اثر از حیطه مستند را نداشته که احتمالاً دور از واقعیت هم نیست. در برخی موارد آن قدر شفاف و بی‌پریایه مصاحبه‌ها به خطوط منتقل شده‌اند که گاهی احسن راوی نیز برای مخاطب تداعی می‌شود. روایتگری به این شکل هم محاسنی دارد و هم معایبی. از طرفی مخاطب مطمئن است که اثر ب بسم‌الله تا تائی تمت کتاب، سخنان خود راویان اثر است، بدون کم‌وکاست و گاهی حتی باز شدن همین باب آشنایی با خود راوی هم بر جذابیت روایت می‌افزاید. از طرفی دیگر گاهی خط روایت آن قدر به تک‌گویی راوی و تعریف و تمجیدهای از سر علاقه دچار می‌شود که لاجرم حوصله مخاطب ته می‌کشد. در کل «میم اول» می‌خواهد با تمام بی‌پیرایگی‌اش و با قلمی روان، صاف و پوست‌کنده، درد دل‌های چهار داغ‌دیده را به گوش مخاطبش برساند؛ چهار روایتگری که می‌تواند دست خواننده را فراتر از سخن و کلام به شخصیت محمدمهدی نیلفروش‌زاده برسانند.

گزارش یک

■ **گروه مردمی**

نمایش «بهشت در آتش» داستان برده‌ای به نام «شهام» را روایت می‌کند که از سوی حضرت زهرا(س) آزاد می‌شود و به شهر و دیار خود برمی‌گردد. پس از مدتی، سهام دل‌تنگ مدینه و خانه حضرت علی(ع) می‌شود، اما وقتی به مدینه می‌آید با صحنه‌های دیگری مواجه می‌شود. علی جاور با بیان اینکه این نمایش

گزارش ۲

■ **فاطمه شعبانی**

کتاب «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر» خاطرات ناخدا یکم «هوشنگ صمدی» فرمانده گردان تکاوران در خرمشهر به قلم «سیدقاسم یاحسینی» است که از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. این اثر روایتی از دفاع ۲۴روزه مردم خرمشهر و تکاوران نیروی دریایی ارتش در هفته‌های نخست جنگ تحمیلی از زبان ناخدا هوشنگ صمدی است. صمدی در این کتاب پس از سه ده سکوت برای نخستین بار ناگفته‌هایی از رزم نیروی دریایی ارتش در خرمشهر را بازگو می‌کند. این کتاب خاطرات هوشنگ صمدی را از سال‌های آغازین زندگی تا زمان بازنشستگی نقل می‌کند. بخش عمده کتاب به خاطرات او از دفاع ۲۴روزه تا سقوط خرمشهر بازمی‌گردد. صمدی در این دفاع ۲۴روزه شش‌بار زخمی می‌شود اما به عقب برنمی‌گردد. هفتم آذر و روز نیروی دریایی بهانه‌گفت‌وگویی با سیدقاسم یاحسینی، نویسنده کتاب بود.

■ **ایهام در عملکرد**

سیدقاسم یاحسینی یکی از پرکارترین مورخان بوشهری به شمار می‌رود و تاکنون حدود ۷۰جلد کتاب در زمینه‌های بوشهرشناسی، تنگستان‌شناسی، خاطر‌نویسی و تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی منتشر کرده است. یاحسینی با بیان اینکه زمانی که شروع به تحقیق درباره تکاوران نیروی دریایی و عملکردشان در خرمشهر کردم، ابهاماتی برای خود من به عنوان یک مورخ وجود داشت و منابع بسیار کم بود، افزود: «به پایگاه دوم هوایی بوشهر مراجعه کردم و آنها نشانی هوشنگ صمدی را دادند. گفتند ایشان فرمانده ما بوده و از صفر تا صد قضایا خبر دارد. سال ۸۸ بود و برای مصاحبه از بوشهر به تهران آمدم. به مدت چند هفته از ساعت ۱۲ تا ظهر در پادگان نیروی دریایی باهم می‌نشستم و خاطرات‌شان را مرور می‌کردیم. خوشبختانه ناخدا یادداشت‌های روزانه داشت و در نهایت من از ابتدای

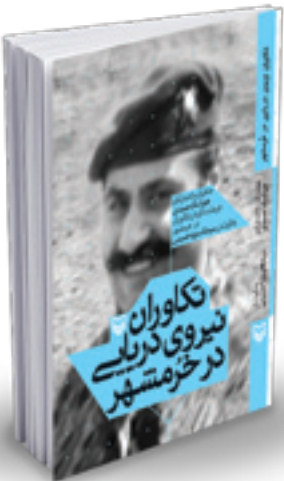
زندگی‌اش شروع کردم.»

■ **گام‌به‌گام**

این مورخ درباره ضرورت پرداختن به خاطرات کودکی ناخدا صمدی اینطور توضیح می‌دهد: «این سبک من است که باید راوی را از دوره کودکی تعقیب کرد تا خواننده شکل‌گیری شخصیت وی را شاهد باشد و در قبال انبوه اطلاعاتی که در خلال روایت‌ها وجود دارد، قانع شود. ناخدا هوشنگ صمدی کودکی جذابی داشته است. در سال ۱۳۲۴ و در زمانی که اردبیل به اشغال فرقه دموکرات آذربایجان درمی‌آید، خاطرات زیادی از حضور نیروی روس در اردبیل دارد که به لحاظ تاریخ سیاسی مطالب دست‌اول جالبی هستند در نگارش این کتاب هم سعی کردم گام به گام و بی‌هیچ شتابی خاطراتش را روایت کنم.»

■ **یک دیالوگ تاریخی**

به گفته این نویسنده، ناخدا صمدی یک استثناست. ابتدا در نیروی زمینی تا درجه سرهنگی خدمت می‌کند و بعد از ۲۵سالگی به نیروی دریایی منتقل می‌شود و دوره‌های تکواری را در پایگاه انزلی می‌گذراند. نهایتاً برای آموزش به انگلستان می‌رود. جالب اینکه همزمان با وی، صدام حسین هم در حال آموزش در انگلستان بوده است. صمدی در آستانه انقلاب اسلامی به ایران برمی‌گردد و برای تشکیل تکاوران نیروی دریایی به بوشهر اعزام می‌شود تا اینکه تصمیم می‌گیرد خودخواسته بازنشسته شود. دقیقاً همان روز که به مقر فرماندهی می‌رود تا حکم بازنشستگی‌اش را بگیرد، جنگ تحمیلی آغاز می‌شود. آنجا یک دیالوگ تاریخی رد و بدل می‌شود. فرمانده می‌گوید: صمدی حکم بازنشستگی‌ات آمده است و همین الان می‌توانی بازنشسته شوی. ناخدا صمدی می‌گوید: من ۲۰سال از این دولت و ملت حقوق گرفتم تا از منافع و استقلال وطن و حمایت کنم، الان که دشمن به وطنم حمله کرده، ننگم باد که بخوام استعفا کنم! استعفایش را پس می‌گیرد و تا ساعت ۱۲ شب یک ستون نظامی را تجهیز و آماده می‌کند، هزارو ۲۰۰ تکاور به طول ۱۲ کیلومتر با لجستیک کامل از بوشهر حرکت می‌کنند و حدود ۶ تا صبح اول مهر به آبادان می‌رسند.»



فرمانده می‌گوید: صمدی حکم بازنشستگی‌ات آمده است و همین الان می‌توانی بازنشسته شوی. ناخدا صمدی می‌گوید: من ۲۰سال از این دولت و ملت حقوق گرفتم تا از منافع و استقلال وطن و مردم حمایت کنم، الان که دشمن به وطنم حمله کرده، ننگم باد که بخوام استعفا کنم! استعفایش را پس می‌گیرد و تا ساعت ۱۲ شب یک ستون نظامی را تجهیز و آماده می‌کند

گذر فرهنگ



گذر فرهنگ

هدفم پرنگ کردن نقش تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر بود

نویسنده کتاب «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر»:

■ **بوسه بر خاک**

قاسم یاحسینی با اشاره به اینکه این کتاب نخستین اثر درباره خاطرات تکاوران نیروی دریایی است و آن را با هدف پرنگ کردن نقش تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر نوشتم، از حضور تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر اینگونه می‌گوید: «در این ۳۴روز دفاع جانانه تعدادی از تکاوران شهید می‌شوند و ناخدا صمدی شش بار مجروح می‌شود اما همچنان در خرمشهر می‌ماند. در شب سوم آبان ۱۳۵۹ فرمان عقب‌نشینی داده می‌شود. اینها اول پیرمردها و پیرزن‌ها را از شهر خارج می‌کنند و تیم فرماندهی آخرین نفرات هستند که سوار کشتی می‌شوند و به عقب برمی‌گردند. بعداً حماسه کوی ذوالفقاری در آبادان رخ می‌دهد و عراقی‌ها روی رودخانه پل می‌زنند و می‌خواهند وارد آبادان شوند که می‌فهمند و با خیزش مردمی عراقی‌ها را به آن ورودخانه عقب می‌رانند. در خرمشهر چند فرساز باور نگرندنی است، تراژیک‌ترین بخش این خاطرات هم فرمان عقب‌نشینی و ساعت‌هایی است که تکاوران با چشمشان گریان و بغض در گلو مردم را سوار می‌کنند و به این‌ور کارون می‌سازند و با خرمشهر خداحافظی می‌کنند. شورانگیزترین روز هم روز آزادی خرمشهر و بازگشت‌شان به این شهر و بوسه زدن بر خاک خونینش است.»

■ **حافظ فرهنگ**

به گفته یاحسینی کتاب تکاوران نیروی دریایی به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شده است و در بعضی از مراکز انگلستان تدریس می‌شود. در ایران هم مستند و کلیپ‌های متنوعی درباره‌اش ساخته‌اند و یکی از موفق‌ترین کتاب‌هایم این کتاب است. وی یکی از بهترین بازخوردهایی را که از کتاب گرفته است، تعریف می‌کند: «چهار سال پیش ساعت ۱۲ شب یک نفر با حالت بغض‌الود با من تماس گرفت. پرنک بود و با همان لحن بغض‌الود گفت: من به خرمشهر رفته بودم، در شبفت شب و برحسب تصادف این کتاب به دستم رسید. نمی‌دانم چطور تماشش کردم. فقط تلفن کردم که بگویم من حافظ سلامت هستم و شما حافظ تاریخ و فرهنگ.»

جایی برای ترکیب علم و هنر در اتمسفر فرهنگ

قدیمی‌تری هم داشته این است که هنر مند وقتی می‌خواهد محصولی تولید کند، دغدغه‌های جز آن نداشته باشد. بر اساس گفته‌های سیدامیرحسین چاوشی، مدیرعامل مجموعه «کارستان بهارستان» تبلیغات اسلامی، دکتر دهقانی فیروزآبادی معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهور و محمدمهدی دادمان رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی طی مراسمی افتتاح شد.

مجموعه «کارستان بهارستان» که بزرگ‌ترین پردیس فرهنگ و هنر کشور به شمار می‌رود، با تمرکز بر میزبانی و ارائه خدمت به افراد و گروه‌های فعال در زیست‌بوم «کودک و نوجوان» درصدد تقویت جریان نوآوری فرهنگی کشور است.

قرار دارد، با حدود ۴هزارو ۸۰۰ مترمربع فضای کار اشتراکی و اختصاصی و امکان میزبانی همزمان بیش از ۴۰۰ نفر، مجهز به زیرساخت‌های عمومی و تخصصی مناسب برای تولید محصول یا ارائه خدمات نوآورانه به فعالان فرهنگ، هنر و رسانه. از امکانات و تجهیزات این مجموعه فرهنگی- هنری می‌توان به استودیوی بزرگ برنامه‌سازی و پخش زنده، پلناتو، بلک‌باکس و استودیوی کروماکی، استودیوی صوت، موسیقی و صداگذاری، کارگاه طراحی و ساخت، سینماکثک و سالن پخش فیلم، میز و اتاق‌های کار، گالری و فضای نمایشگاهی و فضای بزرگ‌زری رویداد اشاره کرد.

آرمان این پروژه که یک فضا مطالعاتی و یک عقبه